

درس ششم: سجع و انواع آن

سجع: عبارت است از: یکسانی دو واژه در واج یا واج های پایانی و وزن یا هر دوی آنها.
سجع ها در پایان دو جمله می آیند، همچون قافیه که در **پایان مصراع ها و بیت ها** می آید.
به کلمات هماهنگ، در پایان دو جمله **ارکان سجع** وبه آهنگ برخاسته از ارکان سجع، **"سجع"** می گویند

انواع (الف) سجع متوازن: یکسانی در وزن: ملک بی دین **باطل** است و دین بی ملک **ضایع**
سجع (ب) سجع مطرف: یکسانی در واج یا واج های پایانی: هر که را زر در **ترازوست**، زوردر **بازوست**
(ج) سجع متوازی: یکسانی در واج یا واج های پایانی و وزن: هنر چشمه ی **زاینده** است و دولت **پاینده**

نکته ها:

(۱) **فایده ی سجع:** **در نثر:** ایجاد موسیقی
در شعر: افزایش موسیقی

- (۲) **ارزش موسیقایی سجع متوازی** از همه ی سجع ها بیشتر است
(۳) **سجع بیشتر در نثر** به کار می رود اما در **شعر نیز** نمونه هایی از آن را می توان یافت
(۴) **مسجع:** نثر یا شعری که در آن سجع به کار برود **مسجع** می گویند
(۵) **جای سجع در شعر:** اگر بیت را به چهار قسمت تقسیم کنید معمولاً در سه قسمت اول آن، سجع می آید، یعنی: نیمه و پایان مصراع اول و نیمه اول از مصراع دوم.
پشمینه پوش **تند خو** از عشق نشنیده ست **بو** از مستی اش رمزی **بگو** تا ترک هشیاری کند (حافظ)
در رفتن جان از **بدن** گویند هر نوعی **سخن** من خود به چشم **خویشتن** دیدم که جانم می رود (سعدی)
(۶) سجع گاهی اوقات فقط در مصراع اول دیده می شود: مثلاً
ای صاحب **کرامت** شکرانه ی **سلامت** روزی تفقدی کن درویش بینوا را (حافظ)
(۷) سجع در شعر «**قافیه میانی**» یا «**درونی**» نیز نامیده می شود.
(۸) اگر در پایان جمله ها کلمات تکراری وجود داشته باشد، سجع پیش از آن می آید.
الهی اگر بهشت چون چشم و **چراغ** است بی دیدار تو درد و **داغ** است
(۹) گاهی در جملات مسجع ممکن است افعال به قرینه ی لفظی یا معنوی حذف شوند.
خلاف راه **صواب** است و نقض **رای اولوالالباب** (حذف به قرینه ی لفظی)
(۱۰) اشتراک در شناسه ی افعال سجع نخواهد ساخت: **خوردیم** ≠ **رفتیم**
(۱۱) اگر تفاوت، فقط در پیشوند های (می، بی، ند) باشد سجع نخواهد ساخت: **می نشینند** ≠ **بنشینند**

چند نمونه مثال:

- (۱) دیده در ظلمت شب، هر چند در **خفا** است، اما امید روشنی صبح در **قفا** است.
(۲) الهی، فرمایی که بجوی و می ترسانی که **بگریز**، می نمایی که بخواه و می گویی که **بپرهیز**
(۳) تا با تو **آشنا** شدم، از خلائق **جدا** شدم، نهان بودم و **پیدا** شدم
(۴) الهی، بایسته ی تو، پیش از طاعت، **مغفور** و نابایسته ی تو پیش از معصیت **مهجور** است.
(۵) آنچه منصور حلاج گفت، من نیز **گفتم**، او آشکارا گفت، من **نهفتم**

۱- در اشعار و جمله های زیر سجع را بیابید.

- بزرگان گفته اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است. (سعدی)
 کوشیدن و جوشیدن : سجع متوازی

- الهی به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم و به یافت تو ناتوانیم. خواجه عبدالله
 زندگانی، آبادانی، شادانی و ناتوانی : سجع مطرف

- سر عشق، نهفتنی است نه گفتنی و بساط مهر، پیمودنی است نه نمودنی. مقامات حمیدی
 نهفتنی و گفتنی : سجع مطرف / پیمودنی و نمودنی : سجع مطرف

من مانده ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او گویی که نیشی دور از او در استخوانم می رود سعدی
 مهجور، رنجور، دور : سجع مطرف / مهجور، رنجور : سجع متوازی

۲- عبارت زیر را می توان مسجع نامید؟ دلیل خود را بنویسید

پادشاهی او راست زبنده، خدایی او راست در خورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس. جهانگشای جوینی
 عبارت مسجع است زیرا «زبنده و درخورنده» در پایان دو جمله، دارای واج های پایانی مشترک هستند سجع را ایجاد کرده اند

۳) در عبارت زیر، واژه های سجع کدامند؟ وجه اشتراک آن ها را بنویسید
 تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. گلستان سعدی
 سیاحت و راحت : سجع مطرف (دارند زیرا فقط در واج های پایانی یکسان هستند)

۴- واژه های برهر و بنور در عبارت زیر، سجع متوازی دارند.

جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد. گلستان سعدی

۵- در هر عبارت، سجع را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.

- محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست. تذکرة الاولیاء عطار
 غایت و نهایت : سجع مطرف

- پشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال.

خار و قال : سجع متوازی

- فلان را کرم بی شمار است و هنر بی حساب، دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

بی شمار و بی حساب : سجع متوازی / متین و کریم : سجع متوازی

- ظاهر درویشی، جامه زنده است و موی سترده و حقیقت آن، دل زنده و نفس مرده.

زنده و زنده : سجع متوازی / سترده و مرده : سجع مطرف

- ارادت بی چون، یکی را از تخت شاهی فروآرد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

شاهی و ماهی : سجع متوازی / فروآورد و دارد : سجع مطرف

۶- در متن زیر، سجع ها را بیابید و نوع هریک را مشخص کنید و درباره ی ارزش موسیقایی هریک اظهار نظر کنید

«صیاد بی روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد. دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن بیش از وقت معلوم، به نانهاده، دست نرسد و نهاده، هر کجا هست، برسد. هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد، به تعذیب عقبی گرفتار آید» گلستان سعدی

نگیرد و نمیرد : سجع متوازی / مقسوم و معلوم : سجع متوازی / دست و هست : سجع متوازی / نرسد و برسد : سجع متوازی

/ دنیا و عقبی : سجع متوازی / نگیرد و آید : سجع مطرف

ارزش موسیقایی سجع متوازی بیشتر از همه و سجع متوازی کمتر از همه است.

سوالات تکمیلی

- ۱) درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید
الف) همهٔ سجع ها، یکسانی در واج های پایانی دارند
ب) فایدهٔ سجع، ایجاد موسیقی در شعر و افزایش موسیقی در نثر است.
پ) ارزش موسیقایی سجع متوازی از همهٔ سجع ها بیشتر است.
ت) آرایهٔ سجع در کلامی دیده می شود که حداقل دو جمله باشد.
ج) به کلمات هماهنگ در پایان دو جمله گفته می شود.
د) سجعی که ارکان آن فقط هم وزن اند، نامیده می شود.
ذ) سجع بیشتر در به کار می رود؛ اما در نیز نمونه هایی از آن، می توان یافت.
ر) سجعی که ارکان آن هم وزن اند و واج های پایانی آنها نیز یکی است، نامیده می شود.
- ۲) سجع در نثر مانند در شعر است .
- ۳) آیا سجع فقط در نثر به کار می رود ؟
- ۴) فایده کاربرد سجع در نثر و شعر چیست ؟
- ۵) « مسجع » چیست ؟
- ۶) انواع سجع را نام ببرید .
- ۷) سجعی که هم وزن و هم واج های پایانی آن ها یکی باشد چه نام دارد ؟ مثالی بنویسید .
- ۸) دو کلمه که در پایان دو جمله بیاید و فقط هم وزن باشند ، چه سجعی می سازند ؟ مثالی بنویسید .
- ۹) اگر کلمه های پایان دو جمله ، واج های آخر آن ها یکسان باشد ، چه سجعی را می سازند ؟ مثالی بنویسید .
- ۱۰) واژه ای بنویسید که با « سبب » سجع مطرف داشته باشد .

کارگاه تحلیل فصل دوم

۱) نمونه های زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید

آلا یا خیمگی، خیمه فروهل که پیشاهنگ، بیرون شد ز منزل
تبیره زن بزد، طبل نخستین شتربانان همی بندند محمل
نماز شام نزدیک است و امشب مه و خورشید را بینم مقابل
ولیکن ماه دارد قصد بالا فروشد آفتاب از کوه بابل (منوچهری)

۱- سادگی و کوتاهی جملات ۲- وجود واژه های کهن و مهجوری چون: فیملگی، فروهل، تبیره زن (طبل زن)

۳- سادگی زبان شعر ۴- کمی لغات غیر فارسی

۲- نمونه های زیر را از نظر ویژگی های قلمرو ادبی بررسی کنید

الف) نوشته اند: درزی ای و جولاهه ای با هم دوستی داشته اند و چون به هم بنشستند، می گفتندی که این کار این شیخ، هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می گفتند که این مرد دعوی کرامت می کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچه می کند، بر اصل است. هر دو متنگروار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد، گفت:

به فلک بر، دو مرد پیشه ورنند زان یکی درزی و دگر جولاه

پس اشارت به درزی کرد و گفت: این ندوزد، مگر قبای ملوک.

آنگه اشاره به جولاهه کرد و گفت: وان نباد، مگر گلیم سیاه.

ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار، توبه کردند. (اسرار التوحید، محمدبن منور)

۱- استفاده از مراعات نظیر: درزی، قبا، جولاهه و ... ۲- استفاده از شعر در میان نثر

۳- استفاده از کنایه: گلیم سیاه کنایه از برهمنی ۴- استفاده از آرایه موازنه: این ندوزد مگر قبای ملوک / او ان نباد مگر گلیم سیاه

ب) ملک گفت: آورده اند که بازرگانی غلامی داشت دانا و زیرک سار و بیدار بخت. بسیار حقوق بندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشکور و مبرور بر جراید روزگار ثبت کرده.

روزی خواجه گفت غلام را: «ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و باز آیی، تو را از مال خویش آزاد کنم و سرمایه وافر دهم که کفاف آن را پیرایه عفاف خودسازی و همه عمر پشت به دیوار فراغت بازدهی.» غلام این پذیرفتاری از خواجه بشنید، به روی تقبل و تکفل پیش آمد و بر کار اقبال نمود؛ بار در کشتی نهاد و خود در نشست؛ روزی دو سه، بر روی دریا می راند. ناگاه بادهای مخالف از هر جانب بر آمد؛ سفینه را درگردانید و بار آبدگینه آملش خرد بشکست. کشتی و هرچ درو بود، جمله غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ پشت بحری رسید؛ دست درو آویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره ای افتاد که درو نخلستان بسیار بود؛ یک چندی در آن جایگه از آنچ مقدور بود، قوتی می خورد ... (مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی)

۱- استفاده از کلمات هم وزن و هم آهنگ: مشکور، مبرور،

۲- استفاده فراوان از آرایه های سبع و موازنه: مقامات مشکور و مقامات مقبول و مبرور

۳- استفاده از لغات عربی و مهجور: پیرایه، تقبل، تکفل و ...

۴- استفاده از آرایه تشبیه: آبدگینه امل (شیشه آرزو) - غرقاب فنا- پیرایه ی عفاف

۳) نمونه‌ی زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو فکری بررسی کنید

ای خواجه، رسیده است بلندیت به جایی
کز اهل سماوات به گوش تو رسد صوت!
گر عمر تو چون قد تو باشد به درازی
تو زنده بمانی و بمیرد ملک الموت (انوری)

۱- زم شبیه به مرح در شعر اتفاق افتاده است ۲- توصیف عینی است ۳- استعاره از طنز

۴) با ذکر دلیل بنویسید چرا دو مصراع زیر هموزن هستند؟

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند

بِشْـنُـوْ اَـز نِـی چـُن حِـکـاـیـت مِـی کـنـد
- U - - - U - - - U -
اَـز جـُ دَا یِـی هـا شـِ کـا یَـت مِـی کـُ نـد
- U - - - U - - - U -

دو مصراع باهم برابرند زیرا تعداد هجاهای دو مصراع برابرند و هجاهای کوتاه و بلند دو مصراع روبروی هم قرار گرفته‌اند

۵) در جملات زیر، انواع سجع را بیابید و نوع آن‌ها را مشخص کنید

الهی اگر بهشت، چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو، درد و داغ است. (خواجه عبدالله)

طالب علم، عزیز است و طالب مال، ذلیل. (خواجه عبدالله انصاری)

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش، همه جا کشیده. (سعدی) رسیده- کشیده : **سجع متوازی**

این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع. (سعدی)

در ایام طفولیت متعبّد و شب خیز بودم و مولع زهد و پرهیز. (سعدی)

۴- نوع سجع دو واژه‌ی زیر را بنویسید و به جای واژه‌ی دوم، واژه‌ی ای بگذارید که بالاترین ارزش موسیقایی را در

میان سجع‌ها داشته باشد

نام یاد

نوع سجع : متوازن است / به جای «نام» می‌توان از «بار» و «شار» استفاده کرد تا سجع متوازی بسازند که بالاترین ارزش موسیقایی را دارد.